

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

نویسنده: رابرت دریفوس
برگردان از: داکتر فرهاد زرگر
۱۳ اگست ۲۰۱۶

گروگان نزد خمینی

۱۴



فصل هفتم

«اخوان المسلمین بخش ۳: خطر آشکار»

بدون اطلاع قبلی برای گردهم‌آیی در سالون تجمعات احضار شده است، جوان سوری در حیرت بود. که چرا از او خواسته‌اند که حالا در یک گردهم‌آیی شرکت کند؟ او تازه برنامه کار دانشجویان را بر روی تابلوی اعلانات کالج نظامی در حلب بررسی کرده بود، و چنین گردهم‌آیی نظامیان برای امروز در برنامه نبود. او در حیرت بود، از این که مرکز نظامی حلب که یکی از مراکز مهم واحدهای آموزش نظامی با شهرت طولانی در سوریه بود، یک چنین تغییر فوری در برنامه داده که معمولاً غیرمترقبه است. در حقیقت افسر جوان حتی از این که تغییر مسیر دهد و طول میدان را به سوی سالون اجتماعات ببیماید کمی هم ناراحت بود. همانطور که ساختمان را ترک می‌کرد چند نفر دیگر از دوستان افسر خود را دید. با خودش گفت که خیلی عجیب است! چون همه دانشجویان سرباز احضار نشده بودند، فقط حدود ۲۰۰ نفری از افسران فعال جوان نظامی در واحد او و واحدهای نزدیک را خواسته بودند.

افسران با نظم و ترتیب، گروه گروه وارد سالون شدند و سالون را پر کردند و در روی صندلی‌ها قرار گرفتند. با این حال یک چیز هنوز برای افسر جوان غیرعادی بود و آن این که، افسران عالی‌رتبه که معمولاً همیشه در ردیف جلو سالون نشسته‌اند، حاضر نبودند، اکنون سالون پر از افسران جوان بانظم است و کسی دیگر در راه نیست. با اینحال هیچ خبری نیست. افسران که عادت به دیسپلین دارند، بدون صحبت روی صندلی‌ها نشسته‌اند. اگرچه بعضی از آنها همچنان نگران بودند.

در عقب، درهای سالون بسته شد و بعد خیلی عجیب افسران جوان صدای چفت و زنجیر کردن درها را شنیدند. حالا افسر جوان با احساس عجیبی بلند شد که شاید کشف کند که چه خبر است. اما خیلی دیر بود. صدای شکستن چوب‌ها و بعد از آن شیشه‌ها ترس او را تأیید کرد که حادثه خطرناکی در حال رخ دادن است، و او به‌رديف پنجره‌ها در کنار سالون نظری انداخت. درست در وقتی که نارنجک‌ها از وسط شیشه‌های شکسته پنجره‌ها به داخل سالون پرتاب شد. آخرین چیزی بود که او برای همیشه می‌دید. بعد انفجار نارنجک قطعات تیز آن را در فضای سالون پرتاب کرد، یکی از این قطعات تیز گلوی افسر جوان را پاره کرد. ناگهان پنجره‌های دیگر شکسته شد و نارنجک‌های دیگر یکی بعد از دیگری پرتاب شد. تمام درهای خروج قفل‌شده بود و راه فراری از این جایگاه مرگ نبود. بعد از حمله با نارنجک، گروهی از مردان مسلح با تفنگ‌های اتوماتیک در کنار پنجره‌ها ظاهر شدند، در یک تیراندازی کشنده، صدها دور تیر به سوی افسران غیر مسلح از هر طرفی شلیک شد. این حادثه فقط چند دقیقه به‌طول انجامید، اما وقتی تمام شد، احتمالاً شصت مرد سوری کشته و بیش از صد نفر دیگر زخمی برجای گذاشت. رئیس جمهور سوری حافظ اسد در حال آخرین تدارکات برای دیدار رسمی و مهم خود از بغداد در عراق بود. روز بعد، وقتی که از قتل‌عام در کالج نظامی در حلب باخبر شد، افسران اطلاعاتی گزارش دادند که ظاهراً سازمانی که این حمله را ترتیب داده است، اخوان المسلمین بوده است. به علت اهمیت این ملاقات در عراق و به دلیل این که حافظ اسد می‌دانست که منظور مجریان این کار برای این بوده که مانع رفتن او به بغداد و پایان دادن به مشاجره طولانی سوری و عراق شوند، دستور داد که تمام اخبار مربوط به حمله و قتل عام مسکوت بماند.

اما چند هفته بعد، این گزارش به رسانه‌های عربی نفوذ کرد، پس از آن به وسیله مقامات سوری تأیید شد. در اگست ۱۹۷۹، اخوان المسلمین کم‌اهمیت، دوباره شهرت یافت. کسانی که قبلاً در شک و تردید بودند که اخوان المسلمین ۲۵ سال پیش در مصر نابود شده بود و نیز این ادعا را که اخوان المسلمین نیز از برنامه‌ریزان انقلاب ایران بوده است، دوباره در این مورد به فکر فرو رفتند. حادثه حلب در سوری روشن کرد که اخوان المسلمین در خاورمیانه یک خطر مهم و بی نظیر از نوع خودش، برای صلح در خاورمیانه و در جهان است. آنچه که در این باره مهم است، رشد دوباره اخوان المسلمین، به سرحد یک ملت اسلامی است. اخوان المسلمین کشورهای جداگانه در جهان اسلام را به رسمیت نمی‌شناسند و می‌خواهند که مرزهای کشورها برداشته شده و یک امپراتوری اسلامی خلق کنند. آنها جهان را به دو بخش تقسیم می‌کنند. مناطق زیر نظر حکومت اسلامی و مناطقی که به وسیله مردم غیرمسلمان اداره می‌شود و یک جهاد دائم پیشنهاد می‌کند که کشورهای غیر اسلامی را تسخیر کند. می‌خواهند که مرزهای کنونی برداشته شود. از رئیس جمهور ایران ابوالحسن بنی‌صدر، در مورد اختلاف مرزی ۱۹۸۰ بین ایران و عراق سکولار سؤال شد. پاسخ داد، «بین کشورهای اسلامی اصلاً مرزی وجود ندارد.»

ایدئولوژی اخوان المسلمین در کنفرانس ماه مه ۱۹۸۰ انجمن دانشجویان اسلامی (MSA)، در بخش اخوان المسلمین آمریکا، در سخنرانی محمود راشد، رئیس ام.اس.آ، به این صورت به نمایش گذاشته شد: «ما داستان کمال آتاتورک، قهرمان ترکیه مدرن را می‌دانیم» راشد از آغاز به سخن کرد، با اشاره به رهبر جمهوری ترکیه. «و ترکیه مدرن چیست؟ از سال ۱۹۲۴ تاکنون بیش از ۵۶ سال، آیا، ترکیه را بیشتر مستقل و یا بیشتر وابسته می‌بینیم؟ آیا ضعیف‌تر می‌بینیم یا قوی‌تر؟»

«آتاتورک‌های زیادی امروز در منطقه وجود دارد. یک آتاتورک در لیبیا، یک آتاتورک در بغداد، یک آتاتورک در سوری و تا این آتاتورک‌ها برداشته نشوند و نابود نشوند، توطئه‌ها ادامه خواهد داشت و بخاست خدا آنها نابود خواهند شد.»

از جانب جمعیت شرکت‌کننده فریاد بخواست خدا «انشاءالله» و «الله‌اکبر» بلند شد! راشدانه ادامه داد: «این آتاتورک‌ها که به زبان ما صحبت می‌کنند و مثل غربی‌ها فکر می‌کنند، به این سرزمین اسلامی تعلق ندارند. آتاتورک‌های قرن بیستم بیشتر به ما خسارت وارد ساخته‌اند تا مستبدان و ستمگرانی که در سال‌های گذشته بودند. همانطور که یک شاعر عرب گفته، و یک موسی خواهد بود که با این ستمگر مبارزه کند. امروزه ما هزار فرعون داریم، و یک موسی نداریم، اما، انشاءالله در بین شما هزاران و هزاران موسی خواهد بود که این هزاران فرعون کوچکتر را نابود سازد!» دوباره از جمعیت شنوندگان فریاد «الله‌اکبر» بلند شد.

«صدام حسین را ببینید، یک قصاب در عراق، قصاب مسلمانان، با چه کسی دست می‌دهد؟ دولت پیشرو عراق با دولت ارتجاعی عربستان سعودی دست می‌دهد، تا دیروز صدام حسین می‌گفت که سعودی‌ها جاسوس امریکائی‌ها، انگلیس‌ها، و همه چیز هستند. ناگهان آنها دوست او شدند. ناگهان، قرارداد بستند، قرارداد امنیتی امضاء کردند. یک دفعه در یک جبهه قرار گرفتند و همینطور حافظ اسد، یک قصاب در سوریه، هر دوی این‌ها مسلمانان را در کشور هایشان کشتار می‌کنند، با اینحال، هدیه می‌گیرند که روی آن مارک می‌زنند که آنها در جبهه مخالف هستند و اینطور توده‌های مسلمان را به آرامش در خواب نگه می‌دارند آنها فکر می‌کنند که همه‌کس در خواب است. توده‌های مسلمان در خواب نیستند، بیدارند. توده‌های مسلمان این شعارها را باور نمی‌کنند. و این توطئه‌ها را می‌دانند. شما آنها را می‌شناسید و آنها به خوبی می‌دانند که کاخ سفید در واشنگتن و کاخ سرخ در مسکو در پشت آنهاست.»

با آشکار کردن این که فلسطین «یک ملت اسلامی» است، راشدانه روشن ساخت که: «می‌خواهم این را روشن کنم که برای ما، فلسطین بخشی از ایدئولوژی ما مسلمانان است. تصادم در فلسطین یک تصادم ایدئولوژیک است که توده‌های مسلمان در زیر لوای حکومت اسلامی باید متحد و یک پارچه شوند. ما از هرگونه حرکت و هرگونه جنبش رهایی بخش که در حقیقت می‌خواهد تمامی فلسطین- جفا، بیت‌المقدس (اورشلیم)- را آزاد کند، پشتیبانی می‌کنیم. نه فقط شعارهای بزرگ توخالی پادشاهان. آنها به خاطر این که جدائی و تجزیه ۱۹۴۷ را قبول کردند، به قتل رسیدند. حالا از آنها قهرمان ساخته‌اند، زیرا آنها مرزهای ۱۹۴۷ را قبول کرده‌اند. برادران و خواهران خوب من در اسلام، اجازه بدهید مشخص کنیم و بگذارید بدانیم که فلسطین بنا به تعاریف قرآن مقدس یک سرزمین اسلامی است. آن یک بخشی از اعتقادات ماست، آزادی آن به حکمرانان ما ربطی ندارد، برای این که آنها آزادش نخواهند کرد، آنها را تسلیم کرده‌اند، ما لازم است که از این آرزو به وسیله دولت‌های حاضر بی تفاوت جلوگیری کنیم. آنها علت همه بیماری هستند، بنابراین نمی‌توانند معالج برای این بیماری باشند. امید است که خداوند ما را مجاهدین راستین بگرداند. امید است که خداوند فلسطین را از راه خون و از راه جهاد مسلمانان راستین در سراسر جهان آزاد کند.» هدف اخوان‌المسلمین، اسرائیل یا امریکا نیست. بلکه حکومت جهانی ملت‌های مسلمان است. سخنان رشدان یک سخنرانی غیرعادی نیست، حتی در قالب تحریکات اخوان این یک سخنرانی معتدل است. در سال ۱۹۷۹، در یک مصاحبه یکی از اعضای اخوان‌المسلمین نظرات خود را در مورد جنبش حاضر به صورت زیر بیان داشت:

«اخوان‌المسلمین ایران و پاکستان را گرفته است، انقلاب در ایران یکی از موفقیت‌های ماست. در پاکستان همینطور دولت ضیاء در پاکستان حکومت ماست. بوتو برای وارد کردن فرهنگ غربی در اسلام کار کرد. او برای همه چیز بود، اما برای پاکستان نبود، برای همین ما او را کشتیم و ما مرگ او را برای هشدار به دیگران بکار می‌بریم. آنچه که در افغانستان هم‌اکنون در جریان است، همچنین نتیجه کارما و کار برادران ما در جماعت اسلامی است. هندوستان هم بعد از آن خواهد بود، مسلمانان در هند در این فکر هستند که بدانند چه کار باید بکنند. این‌طور هم در عربستان سعودی،

مصر، و دیر یا زود در ترکیه، انقلاب اسلامی به وقوع خواهد پیوست. این یک جنبش جهانی است که برای قرن‌ها ادامه داشته. ما حامل انسانیت اسلامی واقعی هستیم، ما آماده جنگیم.»

مهم نیست که تا چه حد اخوان المسلمین از این موضوع آگاهی دارد یا خیر، اما جنگی را که آنها از آن سخن می‌گویند یک جنگ در جهت منافع ستراتژیک انگلیس است. کنترل اخوان المسلمین توسط انگلیس از زمانی که ریاض آموزگار حسن البنا هر روز مرتباً با لُرد کُرمر در مصر ملاقات می‌کرد، زنده و فعال باقی مانده. از جنگ جهانی دوم به بعد، نسل جدیدی از عرب‌های انگلیس رشد کرد که رهبری اخوان را به عهده گرفت. در این فصل ما نگاهی به «نسل‌های قدیمی» و متنفذینی که کنترل رهبری اخوان را به عهده داشته‌اند، می‌اندازیم، این کنترل با دقت و قضاوت‌مندانه به کار گرفته شده است، وقتی که یک رژیم عربی یا اسلامی به دور از سیاست انگلیس رفتار می‌کرد، آن وقت اخوان نیمه فعال به دستور انگلیس به کار گرفته می‌شد و به اعمال تروریستی و کشتار سیاسی روی می‌آورد و یا حتی مانند کشورهای ایران و پاکستان، انقلاب می‌کردند.

سال‌ها قبل، دفتر اطلاعاتی عربی انگلیس سابق، از قاهره به لندن انتقال داده شد. با این که فاصله این دفتر از کشورهای عربی دورتر شد، اما بین مرکز فرماندهی و ارتش‌های مستقر در کشورهای عربی هیچ چیز تغییر نکرد. امروزه «دفتر مدرن عربی»، که به نام مرکز عرب-انگلیس شورای پیشرفت و توسعه روابط عرب انگلیس مشهور است (CAABU). و دفتر کنونی وابسته به آن در لبنان که مرکز خاورمیانه «شیم‌لان» برای مطالعات عربی (MECAS) نامیده می‌شود، به همراه دیپارتمان‌های پژوهش و تحقیق شرق شناسی در دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج، و در دانشگاه لندن، و نیز دانشگاه لوین بلجیم، و بخش مسیحی و اسلامی دانشگاه مک‌گیل در کانادا و دانشگاه‌های پرستون و جورج تاون در امریکا، و مافیای قدیمی مرکز مطالعات عربی خاورمیانه لبنان تماماً اخوان المسلمین امروزی را رهبری می‌کنند. دیگر فریادهای اخوان برای جهاد نه در سلول‌های اعضای آن در شهرهای خاورمیانه، بلکه در دفاتر استادان دانشگاه‌های غربی تنظیم و فرموله می‌شود. برای مثال نقشه «برنارد لوئیز» یک اسم رمزی برای ستراتیژی مخفی مهم انگلیس در خاورمیانه است. نویسنده آن برنارد لوئیز، متخصص در موضوعات اسلامی و خاورمیانه دانشگاه آکسفورد، که هم‌اکنون در دانشگاه پرینستون در نیوجرسی مستقر است. دکتر لوئیز، گرچه به نیابت از ستراتیژی انگلیس -- امریکائی در برنامه‌های تاکتیکی خاورمیانه فعال است، اما با اینحال، در جلسه ۱۹۷۹ بیلدربرگ در اتریش که موضوع نقد مانتالیسم اسلامی موضوع اسلامی مورد بحث این جلسه بود او یکی از دانشمندان اصلی بود که گروه بندی کردن ایدئولوژی و مشخصات جهان اسلام برعهده او گذاشته شده بود. براساس برآورد او، انگلیس‌ها حالا می‌توانستند تصمیم بگیرند که چه نوع دخالتی در شکل‌بندی خاورمیانه به نفع بریتانیا بیشترین تأثیر را خواهد داشت. مطالعات لوئیز از تاریخ اسلام، به طور علمی تأیید اخوان المسلمین برای تبلیغ اسلام دروغین بود که ماهیت آن فناتیسم اسلامی است و به وسیله افرادی نظیر ال‌غزالی، خرافه‌گرای قرن یازدهم معرفی می‌شد، اسلامی که از لحاظ تاریخی متعهد به پیشرفت علوم و تکنولوژی بود. برنامه لوئیز برای بالکانیزاسیون و تکه‌تکه کردن «هلال بحران» در سر حد خطوط ملیتی و مذهبی بنا شده بود. به همین خاطر به دور از تعجب با همکاری دستگاه جاسوسی اسرائیل انجام می‌شد.

بر طبق دیدگاه لوئیز انگلیس می‌باید شورش‌ها را به وسیله اقلیت‌هایی مانند مارونی‌های لبنان، کردها، ارمنی‌ها، ثروز‌های لبنان، بلوچ‌ها، ترک‌های آذربایجانی، علوی‌های سوریه، قبط‌های حبشه، فرقه‌های خرافه‌گرای سودانی، قبیله‌های عربی و مانند اینها برای خودمختاری و استقلال ملی تشویق کند، با هدف اصلی برای فروپاشی خاورمیانه و تبدیل آن به یک گروه کشورها و ملیت‌های کوچک، و تضعیف استقلال جمهوری‌ها و کشورهای پادشاهی کنونی است. حال باید دید که نقش پان اسلامیزم اخوان المسلمین در تمام اینها چیست؟

نقش جنبش پان اسلامیت اخوان المسلمین این است که فرقه‌های کوچکتر و اقلیت‌ها را به پارتیزان تبدیل کرده، که تهدیدی خطرناک به موجودیت خودمختاری آنها بود. سپس انگلیس نقش واسطه را بازی کرده و با رهبران قبایل و اقلیت‌ها قرارداد امضاء می‌کرد که شورش‌های آنها را علیه اخوان المسلمین به عهده بگیرد.

برای نمونه ایران تقریباً به مجرد این که دیکتاتوری خمینی قدرت را به دست گرفت، انگلیس با رهبران ملیت‌های مختلف در ایران، که تهدید کردند که از ایران جدا شوند، تماس برقرار کرد. اگرچه بیشتر این گروه‌ها به علت تنفر از خمینی از یک سو یا سوئی دیگر به مخالفین ضد خمینی در تبعید پیوستند، اما به هر رو هنوز پیروزی انقلاب خمینی با خطر یک سری جرقه‌های جنبش‌های جدائی‌خواه از کردها، آذری‌ها، بلوچ‌ها، و عرب‌ها در میان گروه‌های دیگر روبه رو بود.

این جنبش‌های استقلال‌طلبانه، همچنین، تهدیدهایی برای ترکیه، عراق، پاکستان و کشورهای همسایه دیگر خواهد بود. نقشه برنارد لوئیز سران ملت‌های مسلمان را در تنگنای بین اخوان از طرفی و اقلیت‌های ملی این کشورها از طرف دیگر قرار داده است.

از طرف استادان، سیاست انگلیس از طریق مرکز توسعه روابط عرب انگلیس، و به صورت سازمان‌های داوطلب اداره می‌شود، و CAABU دیگر یگ گروه لابی در حاشیه نیست، پشتیبانی مالی آن از شرکت‌های متعدد سیاست امپراتوری انگلیس، بانک بارکلی انگلیس، شرکت هواپیمائی انگلیس، بانک‌های انگلیس در خاورمیانه، برادران لازارد، لوید بین-الملل، لانرو، بانک ملی وستمنستر، شرکت رول رویس، و یونی لورر، تامین می‌شود. از CAABU دستورات به گروه‌های عرب انگلیس آموزش دیده در مرکز مطالعات عربی خاورمیانه در شمیلان جنوب بیروت فرستاده می‌شود. اخیراً این مرکز MECAS هرچه از لورنس عربستان در یک دفتر باقیمانده بود، تصرف کرد. این مرکز که با نظارت انستیتو پادشاهی موضوعات بین‌الملل در سال ۱۹۴۴ تأسیس شد، سازمان‌های عرب انگلیس ها، صهیونیست‌ها و عرب‌های طرفدار انگلیس را به هم مرتبط کرد.

وزیر امور خارجه سابق اسرائیل ابا ایبان از اعضای کمک دهنده مالی این سازمان بود، همینطور از افراد دیگر جنرال ایلارد کلیتون، حکومت نظامی مصر در زمان جنگ جهانی دوم بود، که با اخوان المسلمین همکاری می‌کرد. سفیر بریتانیا به قاهره لرد کلیاران و معاون او سیروالترز سمارت و رئیس خدمات جاسوسی انگلیس، مارتین چارتریز، دفتردار مخصوص ملکه الیزابت، سیر هرالد بیلی، و نیز آلبرت هورانی، عضو آبنانی انیستیتو پادشاهی از اعضای دائمی آن بودند. مرکز مطالعات عربی در خاورمیانه، صدها افسر اطلاعاتی و جاسوس را در زبان عربی، تاریخ و فرهنگ عرب آموزش داد. در میان آموزگاران و دانشجویان گذشته آن ما به افراد مشهوری مانند سیر جان باگوت گلوب پاشا و پسرش فاریس گلوب، جورج کیرک از مؤسسه پادشاهی، سفیر کنونی انگلیس به عربستان سعودی اچ ویلتون، جاسوس سه جانبه انگلیس- شوروی، کیم فیلی، سیر دانلد ماتیلند و کنلد برتراند توماس، بر می‌خوریم.

از این مرکز چندین سازمان در انگلیس جوانه زد که «روابط عرب - انگلیسی را پیشرفت داد. از جمله آنها CAABU، سازمان عرب - انگلیس، تراست خیریه عرب-انگلیس، و شورای کارگران خاورمیانه را می‌توان نام برد. مهمترین شاخه مرکز مطالعات عربی خاورمیانه مرکز روابط عرب انگلیس در لندن بود. که در میان رهبران و رؤسای آن سیر هرالد بیلی است که هم‌اکنون قائم مقام فستیوال جهانی تراست اسلام در امارات متحده عربی است و نیز سفیر محمد تاجر، سیر ریچارد بومان، سیر چارلز دوک، سیر جفری فارلونج، کالین جکسون عضو پارلمان، پیتر منرفیلد نویسنده پترو مارکت، جان رداوی، و نیز یک تایلندی - انگلیس جاسوس اطلاعاتی به نام رابرت سوون از دیگر رهبران این مرکز هستند. بنابراین، در سال ۱۹۵۵، وقتی که اخوان المسلمین مراکز خود را از قاهره به لندن و ژنیو در

سوئیس انتقال داد، و بعد از این که جمال عبدالناصر آنها را از مصر بیرون راند، روابط خود را با انگلیس، که تا کنون مخفی بود، آشکارتر ساختند.

در ژنیو رهبر مصری اخوان، سعید رمضان مؤسسه مطالعات اسلامی را بنا نهاد. رمضان در قاهره برای توطئه قتل ناصر محکوم شده بود و متهم به رابطه با سازمان جاسوسی اسرائیل بود. این اتهام مانع از تأسیس مراکز فرماندهی اخوان در اروپا توسط او نشد. رمضان با همراهی سلام اعظم شورای اسلامی اروپا را بنا نهاد، این شورا اخوان را از مراکش تا پاکستان و هند رهبری می کرد و نیز صدها مرکز مذهبی در سرتاسر اروپای غربی، که به وسیله آن مراکز هزاران دانشجوی بنیادگرا و رهبران اسلامی هم در خاورمیانه و هم در اروپا کنترل می شدند.

جدیدترین سازمان اخوان المسلمین، سازمان بین المللی «اسلام و غرب» است که در سال ۱۹۷۷ به وجود آمد و مرکز آن در ژنیو است.

سازمان اسلام و غرب شامل دو فرد برجسته «غیرمسلمان»، یکی بنام اورلیو پیکلی از کلوب رم، که سیاست هایش را در نابودی اقتصاد ایران به وسیله آوردن خمینی به قدرت احساس می کنیم، و دیگری لُرد کارادان است، که آ.ک.آ. هیوفوت متخصص انگلیسی اورشلیم (بیت المقدس) و سفیر سابق انگلیس به سازمان ملل را ارتقاء مقام دادند.

ادامه دارد